

# جنگ در افغانستان جنگ کی با کیست؟

**طالبان یک بخش از جنگ در افغانستان است، نه همه جنگ در افغانستان.**

جای شک نیست که گروه طالبان بخش اعظم از گروه های مخالف جنگی را علیه دولت افغانستان تشکیل میدهند، گروه طالبان جنگ را با همه ابعاد آن برای تصرف قدرت در افغانستان انجام میدهد. ساختار طالبان، یک ساختار همگون نیست، بلکه طالبان بنا بر خصوصیات شان دارای دو دسته عمده هستند. دسته اول که میتوان آنان را طالبان افغان گفت، قوماندان طالبان محلی اند که در عملکرد خویش افکار شان در مدارس "مذهبی" پاکستانی شستوشو مغزی نشده است، این دسته عمدتاً در محلات و قصبات دور دست غیر شهری کشور زندگی می کنند. دسته اول با دسته دوم که آنها را بایت طالبان پاکستانی گفت، قوماندان جنگی طالبان پاکستانی اند که در مدارس "مذهبی" پاکستان برای جنگ در افغانستان شستوشو مغزی شده، و آی. اس. آی استخبارات پاکستان آنها را برای اعمال وحشیانه جنگ تربیه نموده است، در بین این دو دسته اختلافات عملکرد و تفاوت ماهیت فکری با وضاحت دیده می شود. این دو دسته پاهمدیگر تفاوت ماهیوی کلی دارند. عمق تخریبی جنگ با بیشترین ویرانی ساختار اقتصادی در افغانستان توسط شبکه های نفوذی آی. اس. آی استخبارات طالبان پاکستانی که شستوشو مغزی شده اند با تروریستان خارجی بخصوص القاعده و داعش در درون گروه طالبان عملیات وحشتناک را انجام می دهند.

هرگاه در صورت خروج اسم طالبان از میدانهای جنگ در افغانستان با خروج قوای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو از افغانستان، برداشته شود، باز هم جنگ در افغانستان توسط پاکستان پایان نمی رسد. پاکستان با صبغه "مذهبی" جنگ را بحیث یک کشور اتومی و رقابت دشمنانه با هندوستان ادامه میدهد. پاکستان علاوه بر اینکه قسمت از خاک افغانستان محکوم را در سال ۱۹۴۸ شامل جغرافیایی خود نموده است، استخباراتی خود را توسط آی. اس. آی برای آینده جغرافیای وسیعتر خویش از راه ویرانی در افغانستان در تحت نام جنگ "مذهبی" دوام میدهند. شبکه های نفوذی آی. اس. آی استخبارات پاکستان و تروریستان خارجی القاعده و دولت "اسلامی" داعش را برای جنگ در کشمیر و افغانستان فعال نگه میدارد. در طی چند سال اخیر داعش و القاعده هولناک ترین حملات را خود را در افغانستان برای ایجاد وحشت، ترور و ویرانی اقتصاد افغانستان بکار برده اند. مشکل اساسی بی ثباتی در افغانستان تنها و تنها از طریق پاکستان و ایران توسط طالبان پاکستانی علیه افغانستان نیست، بلکه ساختار "دولت" فاسد ضد منافع ملی در افغانستان که توسط خارجیها حمایت می شود یکی از عوامل جنگ در افغانستان است، به اثر فشار خارجیها "دولت مذهبی" را بر مردم مظلوم و بی دفاع در افغانستان تحمیل نموده است، "دولت" فاسد افغانستان از همه چیز بیشتر خطرناکتر است.



فیرهای راکتها چندین بار امسال نمونه های راکت ها فوق که در روز روش توسط موتر از داخل نواحی شهر کابل بر اهداف ارگ ریاست جمهوری افغانستان و سایر تاسیسات عامه ودکانهای اشخاص فیر گردیده است، به وضاحت نشان میدهند که امکانات جغرافیایی، نوعی سلاح جنگی و تکتیک با حملات طالبان مطابقت ندارد، یقیناً این حملات کار مخالفین داخل نظام علیه نظام در افغانستان است.

طالبان و داعش یگانه و تنها گروه های جنگی ادامه دهنده جنگ و خونریزی در افغانستان نیستند. ساختار متضاد نظام "دولتی" افغانستان با تضاد های درونی خویش متشکل از تیم اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان با مقابله اتحاد شمال (جمعیت اسلامی، گلجمن رشید دوستم، منصور کیان، فرقه وحدت)، برهبری عبدالله عبدالله، حزب "اسلامی" گلبدین که همه آنان تا هنوز خارج از قوای امنیتی "دولت" در افغانستان (اردو ملی، پولیس ملی، امنیت ملی) سلاحهای مختلف النوع جنگهای چهار دهه را با قوماندان، افراد مسلح غیر مسؤل را تحت اوامر خویش دارند، عناصر مخالف داخل نظام علیه نظام اند که در مواقع مختلف در گذشته و حال "دولت" را در افغانستان تهدید نموده و می نمایند. بنابر مشخصات تختهکی سلاح و نمونه های راکت های فیر شده چندین بار امسال از داخل نواحی شهر کابل بر اهداف ارگ ریاست جمهوری افغانستان و سایر نقاط شهر فیر گردیده است، این حقیقت ثابت می سازد که اقدام حملات سلاح گرم نمونه های فوق بخش از ادامه اجتناب ناپذیر جنگ و خونریزی از داخل نظام علیه نظام در افغانستان است. شواهد و اسناد کافی انکار ناپذیر تضاد های درونی داخل نظام، علیه نظام در افغانستان وجود دارد، که نمایانگر عمق دشمنی در داخل نظام است که فشار خارجی آنرا سرپوش موقتی میگذارد، حیثت قوغ آتش زیر خاکستر را دارد. این تضاد های داخل نظام، علیه نظام خطرناکترین فکتور تخریب نظام توسط خود نظام از داخل است، از عوامل بیرونی مخالفین نظام بدتر است که برخی نمونههای آن قرار ذیل است.

\*- تشکیل دو حکومت در یک کشور و ادای همزمان سوکند دو رئیس جمهور در یک روز خود سند صریح خیانت ملی است که کتافات آن با توافقتنامه بعدی سیاسی جامعه عمل نه پوشیده است. این لکه های خیانات ملی از دامن مادر وطن هرگز به دعای سیاف و میانجگری حامد کرزی پاک نمی شود.

\*- جنگ بر تقسیم بندی سهمیه های پست های حکومتی در بین دو "تیم" طرفین و تقرر نصف کابینه معرفی کاندیدان توسط عبدالله عبدالله بعد مشاجرات طولانی وزرائ کابینه با پارلمان افغانستان، خود سند اثبات قطعی تضاد درونی داخل نظام علیه نظام در افغانستان است.

\*- انتصاب ساختار نا همگون اعضای هیأت مذاکرات " دولت" افغانستان با طالبان خود یک تیاتر جعلی و مسخره است، هیأت مذاکرات " دولت" افغانستان توانایی پیشبرد مذاکرات با طالبان را ندارد. در ترکیب اعضای (۲۱) بیست و یک نفری مذاکره کننده " دولت" افغانستان با طالبان عده از مخالفین داخل نظام بعوض خویش پسران خود را با چین و پکول در ترکیب با هیأت در دوحه فرستاده اند.

\*- جریان مذاکرات " سه ماهه نمایندگان دولت" افغانستان با طالبان در راستای تأمین صلح بی نتیجه بوده است، بیشترین بحث مشاجره لفظی طرفین بوده که در طی سه ماه ناشی از ترکیب نا مناسب اعضای بیست و یک نفری هیأت مذاکرات کنندگان " دولت" افغانستان با طالبان بود است. دسته های پراکنده هیأت "دولت" افغانستان جریانات بحثهای مذاکرات با طالبان را که نباید افشا می شد، هریک از اعضای هیأت با مدارهای خود از دوحه بحثهای جریان مذاکرات را مخابره میکردند، در پایان سه ماه طرفین مذاکرات هیچگونه پیشرفت در راه مذاکرات صلح و قطع جنگ را بوجود نیاوردند.

آقای عبد الحفیظ منصور از گروپ جمعیت "اسلامی" در ترکیب نمایندگان مذاکرات دولت افغانستان با طالبان از حواریون عبدالله عبدالله در مصاحبه خویش با ژورنالیست صریحاً از دادن گذارش به اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان انکار نمود. عده از نمایندگان مذاکره کننده دولت افغانستان با طالبان بالای رئیس جمهور کشور خویش اشرف غنی اعتماد ندارد، این نمایندگان مذاکره کننده دولت افغانستان با طالبان بالای رئیس جمهور کشور باور ندارد چگونه خواهند توانست با طالبان صلح را انجام خواهند داد. این چنین مذاکرات بی نتیجه است.

\*- تشدید اختلافات و جنگ بر سر ترکیب ساختار اعضای شورای کمیسیون رهبری مصالحه وضاحت کامل دارد، با آنکه این کمیسیون جعلی خود را بنام کمیسیون مصالحه ملی جای میزند، مگر دو حزب (تنظیم) جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" رهبران آنها صلاح الدین ربانی و گلبدین حکمتیار که اعضای ایشان اکثریت مطلق کرسیهای "دولت" در افغانستان بخصوص کابینه حکومت در کشور را در تصرف خویش دارند، رهبران جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" صلاح الدین ربانی و گلبدین حکمتیار در کمیسیون رهبری مصالحه شرکت نکرده اند و خواهان حکومت موقت هستند.

\*- فضای کار و تفاهم تیم "دولتی" اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان با ترکیب متحدین متضاد داخل نظام علیه نظام بحد تیره و تاریک است، عطا محمد نور رئیس تشکیلات جمعیت "اسلامی" با همکار و فعال دیرینه جمعیت "اسلامی" خویش آقای امرالله صالح معاون اول ریاست جمهوری افغانستان خطاب اسم "غلام بچه" را با بدترین لحن گفته است. مثل عوام در مورد سقوط مرگبار این "دولت" فاسد در افغانستان در اینجا درست صدق می کند که از شکایت درخت چنین حکایه دارد.

**"درخت بیچاره توسط تبر که قطع می شود که دسته آن تبر از خود همان درخت است."**

\*- وضع قبل از انفجار در "دولت" در افغانستان با حرکات ممتد دورانی یک کچالو داغ شباهت دارد، مجری که کچالو داغ را بدست خود دارد، مانند رهبران چندگانه "دولت" افغانستان که این کچالو داغ را موقتاً از یک دست به دست دیگرش در حرکت حفظ میکند، تا با گرفتن تنهایی در یک دست، دستش را از سوختن نجات دهد. مگر روزی مجری نابکار مجبور خواهد شد، که ناگهان کچالو داغ را از دست خویش بر زمین رها کند.

\*- مشکل اساسی و جست و خیز حلقات و گروپهای فرصت طلب ناکام در داخل نظام در افغانستان روشن است، نیروهای غارتگر ضد منافع ملی کشور با حمایت چند گانه خارجیها تکیه دارند. خارجیها هدفمندانه باید با هریک از حلقات و گروپهای فرصت طلب داخل نظام در افغانستان که بجر چپاول هیچ خدمت را صادقانه را در طی چندین دهه حاکمیت شان برای مردم انجام نداده و نمی دهند، لبخند بزنند. فرصت طلبان ناکام در داخل نظام "دولتی" در افغانستان باز هم خواب و خیال قدرت خویش در دولت آینده شعار می دهند.

\*- عمق توطیه روشن است و خود سخن میگوید، بی شرمی دشمنان مردم افغانستان در این توطیه های دشمن واضح است، حلقات و گروه های ناکام حکومتات تنظیم های "جهادی" در سه دهه اخیر در افغانستان، از داخل نظام بخصوص مخالفین تیم اشرف غنی رئیس جمهور متحدین دولت و حکومت در داخل نظام "دولتی" عطا محمد نور و گلبدین حکمتیار رهبران جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" اکثریت چوکی های حساس حکومتی داخل نظام در افغانستان در اختیار ایشان و عمال آنان قرار دارند

علیه نظام خود به اشاره چراغهای سبز دشمن توطیه می کنند. بنابر اسناد فوق از یکطرف این توطیه گران بکمک دشمنان افغانستان خود و عمال ایشان در یک بخش نا از نا امنیها در افغانستان نقش عمده دارند، از جانب دیگر، همین رهبران تنظیم های جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" عظامحمد نور و گلبدین حکمتیار در این روز ها باز هم سر و صداهای توطیه بغاوت درونی را مانند وقت حکومت داکتر نجیب الله در سال ۱۹۹۲ میلادی در افغانستان را از داخل نظام براه انداخته است. عظامحمد نور و گلبدین حکمتیار که خود و عمال ایشان متحدین در داخل نظام هستند، مگر نظام خود را به "جهاد" و "مقاومت" تهدید می نمایند که نمایانگر توطیه های جدید دشمن است.



از جانب دیگر باز هم همین رهبران تنظیم های جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" مانند جارچیهای قدیم بازاری کهنه در افغانستان جار زدن تشکیل حکومت موقت را در همه جا سر میدهند. کسی نیست که از این غارتگران و جنایتکاران چون عظامحمد نور و گلبدین حکمتیار و غیره بپرسند که دولت در دست خود شما و عمال فاسد شما است، پس برای کیها باید وظایف امنیتی حکومت را در افغانستان تأمین کند. اکثریت پستهای حکومتی در افغانستان در اختیار تنظیم های جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" قرار دارد. در طی سه دهه گذشته بغاوت شما بنام "جهاد" و مقاومت خارج نظم دولتی در کشور بجز ویرانی میهن هیچ کاری مفید دیگری را برای کشور انجام نه داده اند.

هرگاه باز هم در اثر توطیه های جاری شما در تحولات آینده افغانستان حضور وطنپرستان واقعی و صادق در یک دولت تیکنوکرات های بیطرف در افغانستان اخلاص شود، باز هم عمال شرارت پیشه تنظیم های جمعیت "اسلامی" و حزب "اسلامی" در "دولت" موجود باشد، مانند چهار دهه گذشته غارتگران و جنایتکاران "دولت" خودکامه خویش را بوجود بیاورند، باز هم همان آش گندیده و همان کاسه کثیف است، که در آنصورت باز هم بدون شک جنگ، خونریزی، غارت و چپاول در افغانستان ادامه می یابد.  
پای.